

روستاهای ماهی گیری متاخر در کرانه های دریای مکران شواهدی برای بازسازی روستاهای ماهی گیری

باستانی

روح الله شیرازی^۱، حسین مرادی^۲، مجتبی سلطانی^۳

^۱دکترای باستان شناسی، استادیار دانشگاه زاهدان و سرپرست بررسی باستان شناسی شهرستان چابهار
^۲کارشناس ارشد باستان شناسی و سرپرست بررسی باستان شناسی زرآباد شهرستان کنارک در ساحل دریای عمان
^۳کارشناس ارشد باستان شناسی و عضو گروه بررسی باستان شناسی زرآباد

چکیده

مقاله پیش رو پژوهشی قوم باستان شناسانه درباره روستاهای ماهیگیری حاشیه دریای مکران در سواحل استان سیستان و بلوچستان است. این نوشتار بر آن است تا ضمن تشریح و تحلیل ویژگیهای میان روستاهای ماهیگیری دوره متاخر در ساحل دریا به یک بازسازی اولیه درباره روستاهای ماهی گیری باستانی در حاشیه دریا دست یازد که متاسفانه به دلیل رانش ماسه بادی از صحرای مرکزی عمان و نیز کمی فعالیت های باستان شناسی در این حوزه در ایران تا کنون شواهد متمرکزی در این باره به دست نیامده است. و تنها شواهد باستان شناسانه از این دست، محدود به چند قطعه سفال و آثار معماری بسیار سطحی و فرسوده است که عمدتاً زیر ماسه بادی ها مدفون شده اند. از این میان شواهدی که از روستاهای ماهی گیری متاخر در دست است برای بازسازی ذهنی روستاهای باستانی حاشیه دریای مکران بسیار حائز اهمیت است. این مقاله ضمن بررسی و تحلیل ویژگی های روستاهای ماهی گیری متاخر که عموماً متروک شده اند به بازسازی اولیه در ارتباط با روستاهای ماهی گیری باستانی می پردازد.

واژگان کلیدی: روستاهای ماهیگیری، بلوچستان، دریای مکران، عمان، هزاره سوم پیش از میلاد

مقدمه:

بخش وسیعتر استان سیستان و بلوچستان یعنی بلوچستان، دارای اقلیمی گرم و خشک است و سه پدیده کویر، کوهستان، و همچنین دریای عمان بر چگونگی اقلیم آن تاثیر مستقیم گذاشته اند. میانگین بارش سالانه در منطقه مذکور ۱۰۴ میلیمتر است که بخش زیادی از این میزان در فصل تابستان و تحت تاثیر توده هوای شبه قاره هند می بارد (اقلیم و گردشگری، ۱۳۸۰). میزان نم نسبی بالا، شن های روان ساحلی، گرمای هوا و اندک بودن آب سطحی شیرین از مهمترین عوامل محیطی موجود در نوار ساحلی است که چگونگی پراکنش روستاها، جابجایی و همچنین انتخاب نوع معماری آنها را تحت الشعاع قرار داده است. درختان گز و درختچه های کهیر از مهمترین گونه های گیاهی شناخته شده در شهرستان های چابهار و کنارک است. سه رودخانه مهم وارد محدوده ساحلی میشود و به دریا میریزند. (تصویر ۱) مهمترین این رودخانه ها، باهوکلالات است که در کنار بندر گواتر (شرقی ترین محدوده شهرستان چابهار) به دریا میریزد. رودخانه کهیر که امتداد رودخانه نیکشهر است و از ارتفاعات نیکشهر سرچشمه میگردد، در فاصله بین خلیج پزم و روستای گوردیم به دریا میریزد. سومین رودخانه رایچک است که در بخش زرآباد واقع شده است. (سیدسجادی، ۱۳۷۴: ۹۴-۹۵) (تصویر ۲)

مردم بومی و ساکن در این منطقه بلوچ می باشند و مذهب آنها تسنن است. مهاجران تیره پوست که مردم بلوچ اصطلاحاً به آنها «غلام» می گویند کاملاً تحت تاثیر فرهنگ بلوچها قرار گرفته اند. در میان خود قبایل بلوچ نیز گونه ای درجه بندی طبقاتی و قبیله ای وجود دارد. برای نمونه یک تیره دیگر از بلوچ ها در این منطقه وجود دارند که اصطلاحاً به آنها «سالاری» می گویند و این تیره مذکور نیز از لحاظ درجه بندی طبقاتی بالاتر از «غلام ها» ولی پائین تر از دیگر قبایل بلوچ قرار دارند و در حاشیه روستاها ساکن می شوند و نسبت به سایر اقوام روستاها جابجایی منطقه ای بیشتری دارند. کاراصلی مردم کنار ساحل از قدیم ماهیگیری و صیادی بوده و بیش از ۱۵ نوع ماهی مانند آهو، سرخو و بمپک در این سواحل صید میشده است (یغمایی، ۱۳۵۵: ۲۹-۳۰) افزون بر این بازرگانی و تجارت نیز در برخی بنادر منطقه از رونق برخوردار بوده است و تیس یکی از کانونهای بازرگانی منطقه ای در طی دوره اسلامی بوده است (Seyed Sajjadi, 1990: 53-57) و بلوچستان محل تولید و صادرات یک نمونه شکر به نام فانید بوده که از تیس به سایر نقاط صادر می شده است. (ابن حوقل: ۷۸) اگرچه بر پایه شواهد باستان شناسی سابقه این تجارت بسیار کهن تر از دوره اسلامی است.

بازرگانی سازمان یافته منطقه ای باعث شد که تپه یحیی در هزاره سوم به مکانی مهم تبدیل شده و رابطه مستقیم تر با میان رودان پیدا کند (Lamberg Karlovski 1972: 227) اگرچه شواهد برای تجارت مواد خام و نیازمندیهای لوکس مردم بین النهرین از طریق دریا در دوره

یحیی IV اندک است ولی در آغاز هزاره دوم پیش از میلاد از نقش یحیی در بازرگانی کم شده است و کانون این تجارت به سواحل خلیج فارس منتقل شده است (Alden 1982: 627-628) که سریع تر، کم خطر تر و کم هزینه تر می باشد. در بمپور VI بیشترین تاثیر بین مناطق جنوبی خلیج فارس و بمپور نمایان است (Potts 2003: 7-8) و به نظر میرسد که راه دریایی یکی از بزرگترین راه های انتقال مواد خام و کارشده از ایران به بین النهرین در طول هزاره سوم و به ویژه هزاره دوم پیش از میلاد بوده است. (Alden 1982: 627-628)

این راه در دوره تاریخی نیز دارای اهمیت بوده و به راه ادویه معروف است که ادویه، کارنلین (Carnelian) و دیگر مایحتاج رومیان از هندوستان و از این راه به بین النهرین و کانونهای تجاری میان ایرانیان و رومیان منتقل می شده است. (Brown and Dey 1955: 621-2)

در سواحل شمالی دریای عمان و خلیج فارس تا کنون شواهد چشمگیر از محوطه هایی با این کارکرد در دوره پیش از تاریخ به دست نیامده است. این فقدان را باید بیشتر به دلیل کمبود بررسیهای روشمند باستان شناسی در ایران گذاشت. از بررسیهای انجام شده در حاشیه دریای مکران می توان به بررسی زراباد توسط حسین مرادی (مرادی، ۱۳۸۶)، بررسی کنارک توسط بهزاد علی طالشی (علی طالشی، ۱۳۸۸) و بررسی شهرستان چابهار توسط روح الله شیرازی (شیرازی، ۱۳۸۹) اشاره نمود.

روستاهای ماهی گیری متاخر حاشیه دریای مکران:

روستاهای ماهی گیری باستانی به ویژه در هزاره سوم و دوم پیش از میلاد یکی از سوال برانگیز ترین موارد باستان شناسی سی سال اخیر منطقه خلیج فارس و دریای مکران (عمان) است که پس از انقلاب و با کاهش نقش باستان شناسان خارجی در ایران به اهمیت آن افزوده شد. پس از انقلاب و با آغاز جنگ تحمیلی و به تبع تغییر ساختار جغرافیای سیاسی منطقه از سواحل شمالی به سواحل جنوبی خلیج فارس، افزون بر فعالیت های علمی باستان شناسی دارای جنبه های سیاسی فرهنگی قدرتمندی گردید. این فعالیت ها خود بهانه ای برای شیوخ عرب و سیاست گزاران آن مناطق برای تغییر نام خلیج فارس به خلیج عربی و نیز ادعاهای روز افزون امارات برای سه جزیره ایرانی گردیده است. (Cleuziou, 2003; Tosi, 1986)

در ایران به دلیل گستردگی فعالیت های باستان شناسی در مناطق داخلی فلات ایران تا کنون توجه چندانی به این مناطق نشده و هیچ گونه بررسی متمرکز باستان شناسانه ای در خصوص یافتن این دست محوطه ها در سواحل ایران به انجام نرسیده است. شواهد مردم شناسی منطقه برای اثبات وجود این روستاها در ساحل ایران چه از دیدگاه پژوهشی و چه سیاسی بسیار دارای اهمیت است.

در بخشهای ساحلی، تمرکز روستاها بیشتر بوده و عموماً در مناطق سنگلاخی مرتفع قرار دارند. بر پایه بررسی ها در گذشته نه چندان دور، روستاها در نزدیکی دریا و بعضاً چسبیده به ساحل قرار داشته و شامل مجموعه ای از خانه های نئی و حصیری ساخته شده از لیف خرما و شاخ و برگ درخت نخل که درخت رایج در کل منطقه بلوچستان است می باشد که بر روی بیشتر این خانه ها تور ماهی گیری برای جلوگیری از تخریب آنها بوسیله باد و نسیم ساحلی گسترده اند. شکل کلی خانه ها از دو الگوی عمده دایره ای و مستطیلی پیروی می کند. (تصویر ۳ و ۴)

منطقه درک (DARAK) از لحاظ جغرافیایی، حاشیه ساحلی دریای مکران در غربی ترین نقطه ساحلی چابهار و در مرز استان هرمزگان می باشد. معیشت مردم این منطقه بسیار وابسته به دریا است، و ماهیگیری و صید اصلی ترین شیوه معیشت می باشد. یکی دیگر از شیوه های معیشت مردم این منطقه علاوه بر صیادی نگهداری گاو، گوسفند و شتر می باشد.

معماری سنتی مردم که همچنان در بین بافت جدید معماری وجود دارد به صورت کپرهای ساخته شده از برگ درخت نخل و حصیر می باشد که به صورت مستطیل با سقف شیروانی و همچنین دایره ای شکل با سقف گنبدی می باشد که با چینش منظم و خاصی از شاخه ها و چوب های درخت نخل ساخته شده اند.

این شاخه ها و چوب ها با در کنار هم قرار گرفتن، چارچوب و اسکلت اصلی اتاق را تشکیل می دهند. اکثر اتاق ها و خانه ها در ابعاد ۴.۶ مترمربع به صورت مستطیلی می باشد و کپرهای دایره ای تقریباً به قطر ۴ متر ساخته شده اند. پس از سوار شدن چارچوب و اسکلت اتاق، روی چارچوب را با حصیر و برگ درخت می پوشانند و سپس با استفاده از تور ماهیگیری تمام سطح کپر را محکم می کنند تا مانع از جابجایی حصیرها و شاخه ها به دست باد شوند. ورودی خانه ها و کپرها رو به جنوب و دریا می باشد و تقریباً یک متر پائین کپر را بدون پوشش پوشال و برگ قرار می دهند و تنها اسکلت چوبی کپر را با یک رشته حصیر پوشانده، به گونه ای که بتوان در موقع نیاز حصیر را بالا زد تا جریان نسیم و نور وارد کپر شود. ولی از یک متر به بالا و سقف با پوشش های مختلف محکم می کنند، و مانند پائین کپر قابل باز کردن و جابجایی نیست. در اطراف این روستا، شش محوطه از دوره پیش از تاریخ، تاریخی (اشکانی) و اسلامی (دوره های میانی تا معاصر) شناسایی گردیده است.

روستای ماهیگیری کلات (KALAT) در سال های اخیر به خاطر یک سری مسائل مانند رانش شن های روان و همچنین یافتن مکانی مناسب تر در نزدیکی اسکله در حال ساخت، متروک شده و به چند صد متری غرب آن منتقل شده است. (تصویر ۵) در حالت کنونی روستا و اطراف آن را شن های روان فرا گرفته است و در اطراف همین روستا نیز سفالهای تاریخی پیش از تاریخی و اشکانی نیز مشاهده و ثبت شده است. روستای متروکه کنونی دارای حدود ۱۰ کپر یا برج و نیمه مخروطی است که در کنار هم و با همین ساخت و شیوه معماری که توضیح داده شد، ساخته شده اند. جهت آنها شمالی جنوبی و ورودی رو به دریا است. سازه خشتی و چینه ای در روستا دیده نمی شود و ابعاد یکی از کپرها که برای نمونه گرفته شد به ترتیب زیر می باشد: طول: ۴/۵ متر، عرض: ۲/۵ متر، ارتفاع: ۲/۲۰ متر.

یک روستای ماهیگیری دیگر در فاصله ۱ تا ۱/۵ کیلومتری از دریا به نام هومدان (HUMADAN) وجود دارد. این روستا نیز مانند سایر قسمت های خط ساحلی نیز دچار شن های روان شده و این خود عامل جابجایی روستا و فاصله گرفتن آن از ساحل شده است. در میان ماسه های روان بین روستای فعلی تا ساحل، سفال های پیش از تاریخی تاریخی و اسلامی به فاصله ۲۰۰ متری از دریا مشاهده شده و مسیر عقب نشینی روستا را نشان می دهد. (تصویر ۱۳ و ۱۴) نکته قابل توجه در این روستا وجود اتاق های خشتی و کپر با پوشش اندود گل می باشد که بر روی پوشش گیاهی آن مجددا یک لایه اندود گل کشیده شده است. انبار از سطح به صورت یک برجستگی مشاهده می شود که حدود ۱ متر از سطح بالاتر است و با توجه به نمونه های بررسی شده دارای یک ورودی کوچک و فضای مستطیلی شکل به طول تقریباً ۴ تا ۵ متر و عرض حدوداً ۲ متر، در زیر زمین می باشد. این حفره به وسیله تنه های درختانی که فرم هلالی دارند پوشیده شده و سپس به وسیله شاخه ها و چوب های کوچک تر و گل مسقف شده است ارتفاع انبار از کف تا سقف کمتر از ۲ متر می باشد.

خانه های کپری روستای بیردف از نوع مستطیلی با سقف شیروانی در ابعاد متوسط ۳×۵ متر می باشند اما با توجه به داده های مردم نگاری کنارک در سایر روستاها، مانند گودن خانه های کپری با پلان مدور و سقف گنبدی نیز وجود دارد. به نوع خانه ها در زبان بلوچی گرتوپ (Gertoop) می گویند. معیشت اهالی روستای بیردف به دلیل نزدیکی به دریا، صیادی است. وسایل صید آنها شامل تور انداختن به کمک قایق موتوری و همچنین استفاده از گرگور است. با توجه به بررسی باستان شناختی، در محدوده چند کیلومتری این روستا، قبرستان های قدیمی دوران اسلامی و همچنین استقرارهای عشایری قدیمی شناسایی شد. یکی از این استقرارها در فاصله ۵۰۰ متری جنوب شرق و با فاصله نزدیک تری به ساحل شناسایی شده است.

گوردیم (Goordim) در غرب شهر کنارک و در کنار خلیج پزم واقع شده است. روستای گوردیم در فاصله ۳۰۰ متری از ساحل و در پشت صخره ای طبیعی به نام کوه گوردیم قرار گرفته است. (تصویر ۱۰) اطراف روستا را دشت های مسطح شنی و ماسه ای محصور کرده است. موقعیت طبیعی این صخره باعث شکل گیری ساحلی آرام در دو سوی خود شده و مانند موج شکنی عمل میکند که تجهیزات ماهیگیری در پناه آن در امان می باشند. معماری غالب روستای گوردیم از گونه خانه های مستطیلی با سقف شیروانی و با مصالح گیاهی است. روستای گوردیم نسبت به روستای بیردف در فاصله نزدیکتری نسبت به ساحل قرار دارد و ماهیگیری در آن بیشتر رونق پیدا کرده است. در کنار این روستا تعداد زیادی محوطه باستانی شناسایی شده که اغلب آنها قبرستان می باشند. این آثار از نظر زمانی از هزاره سوم ق.م تا دوره معاصر را شامل می شود. بیشترین داده های شناسایی شده متعلق به دوره تاریخی می باشند. به غیر از مکان مذکور در اطراف روستا و در خط ساحلی هیچ محوطه باستانی دیگری شناسایی نشد. البته این موضوع بیشتر به خاطر هجوم ماسه های روان و مدفون شدن محوطه هاست.

دریافت :

همانطور که گفته شد، در منطقه ساحلی خانه های ساخته شده با مصالح گیاهی که در زبان محلی به آنها لوگا (Loga) میگویند، گونه غالب خانه سازی روستاهای سنتی را تشکیل می دهد. برای نمونه ۹۰ درصد از معماری روستاهای بیر (Bir)، بیر سفلی (Bir e sofla) و گودن (Goden) را خانه های کپری با مصالح گیاهی تشکیل می دهد. هسته و چارچوب اولیه این خانه ها از شاخه های درخت خرما و همچنین چوب های درخت گز تشکیل شده که با کمک طناب های گیاهی و یا طناب های نخ به هم محکم میشوند، سپس بر روی هسته اولیه شاخه های نازک تر و شاخ و برگ درخت خرما قرار میگیرد و در نهایت یک حصیر روی آن را می پوشانند. به منظور محکم کردن مصالح در مقابل باد، از تورهای ماهیگیری بلا استفاده کمک میگیرند. این شیوه رایج ترین شیوه معماری در مناطق ساحلی از گذشته تا به امروز بوده است و به نظر می رسد که هنوز الگوهای سنتی زندگی که در تطابق با محیط هستند اصلی ترین شیوه های معیشت را تشکیل می دهد.

از بررسی روستاهای ساحلی دریای مکران و با توجه به شواهد باستان شناسی به دست آمده در مناطق ساحلی، به ویژه در اطراف روستاها، به چند نکته در ارتباط با ارائه الگویی برای بازسازی روستاهای ماهی گیری باستانی می توان دست یافت. نخست اینکه شواهد باستان شناسی بیانگر این است که در اطراف بسیاری از روستاهای گفته شده سفالهای تاریخی و پیش از تاریخی و سایر شواهد اجتماعات انسانی از دوره های گذشته به دست آمده است. سفالها درطیف سفالهای قرمز و خاکستری هزاره سوم پیش از میلاد (تصویر ۱۳، شماره های ۱۶ تا ۱۶)، سفالهای دوره پارتی مناطق ساحلی معروف به سفال لوندو (تصویر ۱۳، شماره های ۷ تا ۷)، سفال دوره های مختلف اسلامی به ویژه دوران میانی (تصویر ۱۴، شماره های ۱۲ تا ۱۵) و سفال اسلامی معاصر که سفالی قرمز، دست ساز و به همراه نقوش شبیه به نقوش سوزن دوزی های بلوچی با نقوش سیاه رنگ بر زمینه قرمز اخراپی است، قرار دارند. همچنین در حوالی این روستاها آثار تجمع صدف و گوش ماهی که به نظر میرسد محل توراندازی صیادان بوده به همراه این سفالها مشاهده گردید است. بیشترین شمار سفالها و محوطه های یافت شده متعلق به محوطه ها و سفالهای اسلامی است. سفالهای تاریخی در رده بعد و سفالهای پیش از تاریخی در رده آخر قرار می گیرند. محوطه های باستانی نیز دارای خصوصیات چند می باشند. نخست اینکه این محوطه ها عموماً همسطح با زمینهای اطراف بوده و برجستگی چشمگیری از اطراف ندارند. دوم اینکه بخش عمده آنها امروزه در زیر ماسه بادی مدفون شده است (تصویر ۸) و سوم اینکه به جز سفال هیچ اثر شاخص دیگری بر روی این محوطه ها به دست نیامد.

اگر بخواهیم در مورد بقایای باستانی یافت شده در اطراف روستاهای ماهی گیری امروزی به نتیجه ای برسیم باید گفت که این شواهد نشان می دهند که محل روستاهای فعلی نسبت به روستاها یا محوطه های باستانی به مرور زمان دچار جابجایی اندکی شده است و محل محوطه ها و روستاها تقریباً با یکدیگر قابل انطباق است. تنها جابه جایی عمده انتقال این روستاها از کنار ساحل دریا به مناطق مرتفع تر در همان اطراف به دلیل رانش ماسه بادی است که این انتقال مختص دوره معاصر می باشد. (تصویر ۱۱ و ۱۲)

با توجه به الگوهای سنتی ساخت و ساز در حاشیه ساحلی و این مسئله که محوطه های باستانی منطقه نیز فاقد آثار معماری سطحی هستند به این نتیجه می رسیم که به گمان فراوان الگوهای خانه سازی در منطقه، از دوره پیش از تاریخ که شواهد باستان شناسی آن به دست آمده تا دوره معاصر کمابیش به یک شکل بوده و استفاده از مصالح گیاهی و کم دوام رایج بوده است. این مسئله زمانی روشن تر می شود که بدانیم در سایر نقاط بلوچستان این شکل از زندگی الگوی رایج در فاصله زمانی بیش از ۵۰۰۰ سال بوده است و جز در مناطقی که کشاورزی به شکل دائم و پایدار وجود داشته در سایر مناطق این شیوه پابرجا بوده است. به نظر می رسد که این الگو در مناطق وسیعی از آسیای جنوبی رواج داشته است و تنها مختص به مناطق ساحلی نبوده است (Posshel, 1979: 547). در مناطق ساحلی نیز این الگو با اندکی تغییرات پابرجا بوده و تنها تفاوت برقراری یک نظام قبیلگی و طبقاتی بوده که غلامان و دامداران معروف به سالاری (Salari) را در طبقات پایین تر از بلوچها و در فاصله دورتری نسبت به محل زندگی خویش قرار می داده است.

دومین نشانه برای بازسازی روستاهای باستانی مقایسه داده های باستانی به دست آمده در سواحل شمالی با داده های باستان شناسانه سواحل جنوبی خلیج فارس و دریای مکران است. در عمان و امارات متحده عربی محوطه های زیادی از نمونه های گفته شده مورد کاوش قرار گرفته است که مهمترین آنها عبارتند از ام النار (Ferifelt, 1979) و راس الجنیز (Cleuziou and Tosi, 2000)، هیلی (Cleuziou and Tosi, 2007) و غیره. این محوطه ها به همراه قبرستان می باشند که قبرهای دسته جمعی بزرگ و عظیم با پلان دایره ای شکل (Cleuziou and Tosi, 2007: 139-146) به همراه اشیایی همانند سفال، خمره های مکعبی شانه دار خاکستری بمپور VI با نقوش درخت نخل (Potts, 2003: 7-8)، سفال با علائم دره سند و هاراپا (Cleuziou and Tosi, 2000: 48, fig. 9) از مهمترین مواد فرهنگی یافت شده در این محوطه هاست. این شواهد بیانگر ارتباط گسترده این دست از محوطه ها با مناطق شمالی همانند بلوچستان، مکران و فلات ایران (Ibid: 26)، دره سند و بین النهرین می باشد (Cleuziou, 2003: 147) گستردگی و تنوع مواد فرهنگی بیانگر وجود فعالیت های بازرگانی و حضور بازرگانان در این مناطق است که در سده های پایانی هزاره سوم از راه دریایی خلیج فارس کالاهای خود را به بین النهرین منتقل می کرده اند. (Alden 1982: 627)

در ایران متاسفانه تا کنون چنین محوطه هایی یافت نشده است و همانگونه که گفتیم عواملی چند نظیر کمی فعالیت های میدانی، رانش ماسه بادی و سایر عوامل باعث شده تا اطلاعات ما در این باره ناچیز باشد. اما از طرف دیگر برخی نشانه های منطقی همانند نزدیکی سواحل ایران به منابع مواد خام فلات ایران همانند سنگ صابون، فیروزه و لاجورد و این مسئله که الزاماً بسیاری از کالاهای ارزشمند برای انتقال به بین النهرین بایستی از ایران تهیه می شده است، لزوم پدیدار شدن چنین استقرارهایی را در سواحل ایران توجیح می کرده است. (نقشه ۱) همانطور که می دانیم بخش وسیعی از مواد و اشیای تجاری در سواحل جنوبی از فلات ایران آورده می شده است (Beals, 1973: 136-140). به نظر میرسد که پایداری الگوی کپر نشینی در مناطق بلوچستان ایران یکی از عوامل انهدام و تخریب محوطه ها بوده است که راه را برای یافتن نشانه های باستان شناسی این دست محوطه ها دشوار می نماید. با این حال در قسمت غربی ساحل دریای عمان حدود چهار محوطه با سفال پیش از تاریخی که نزدیک ساحل بودند یافت شده است که فرض ما را از دو راه تقویت میکند: نخست نزدیکی این محوطه ها به روستاهای کنونی و سپس اینکه بالاخره ما میدانیم که در این نوار روستاهای ماهی گیری پیش از تاریخی وجود داشته است.

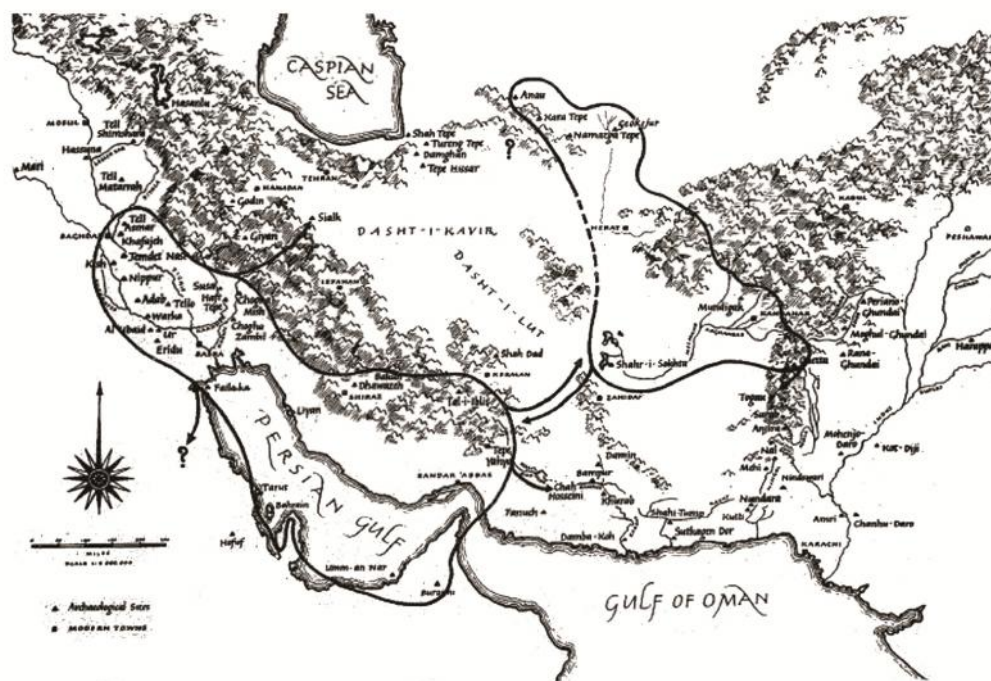
بررسی های آب شناسی در نوار ساحلی پاکستان بیانگر این است که در هزاره چهارم پیش از میلاد سطح آب دریا بالاتر از سطح امروزی بوده است * و بنابراین شاید بتوان برخی از محوطه های مورد نظر را در جایی که امروز دورتر از ساحل و بر فراز بلندی ها هستند یافت. بررسی های باستان شناسی تا کنون بر فراز ارتفاعات مشرف به دریا جز آثار اشکانی و اسلامی، نشانه ای از دوره پیش از تاریخ را نیافته است.

اما در دوره های متاخرتر به ویژه دوره اشکانی داده های باستان شناسی به طرز هدفمندی این کمبود دوره پیش از تاریخی را جبران می نماید و وفور آثار دوره اشکانی در نوار ساحلی که شامل محوطه هایی با سفال لوندو و قبرستانهای دمبی در اندازه های مختلف است، بیانگر پویایی این منطقه در طی این دوره است که اخبار آن از خلال اسناد تاریخی نیز به دست ما رسیده است.

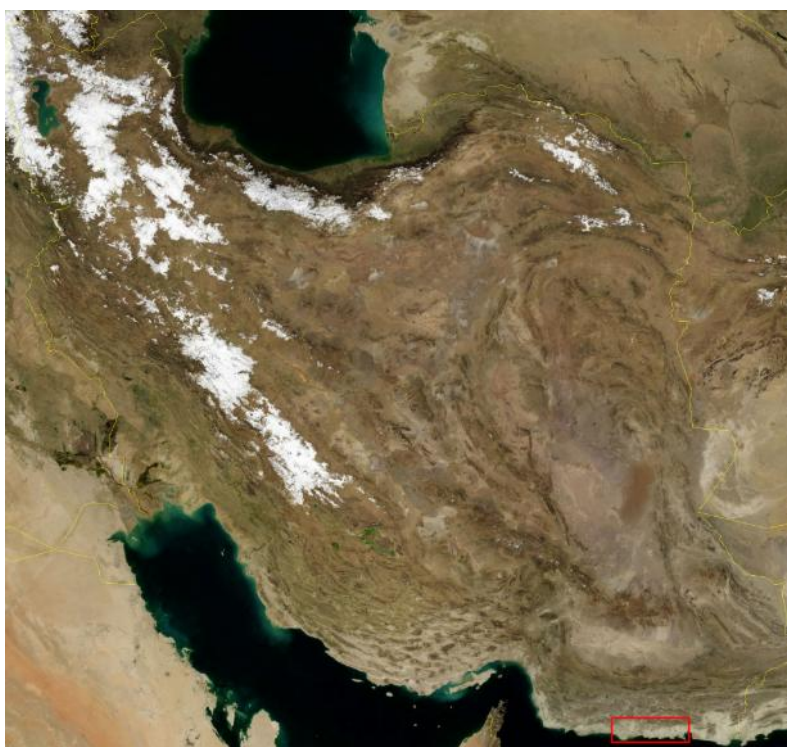
به عنوان نتیجه گیری، چنین استنباط می شود که با توجه به شواهد مردم شناسانه و دوام این الگو از دوره نوسنگی تا امروز، مقایسه الگوهای کوچروی و کپر نشینی با سایر نقاط بلوچستان، موقعیت یابی محوطه های باستانی که در نزدیکی روستاهای امروزی قرار گرفته اند و دیگر شواهد باستان شناسی، روستاهای باستانی نیز دارای ساختاری کمابیش مشابه روستاهای متاخر بوده اند و احتمالاً به دلیل استفاده از مصالح کم دوام و رانش ماسه بادی شواهد چشمگیری از آنها را هنوز باستان شناسان نیافته اند و اگر چه شواهد گفته شده به تنهایی نمی تواند ما را در بازسازی مدل ذهنی روستاهای ماهی گیری باستان یاری کند اما تا حدود زیادی می توانیم به اهداف خود نزدیک شویم.

فهرست منابع:

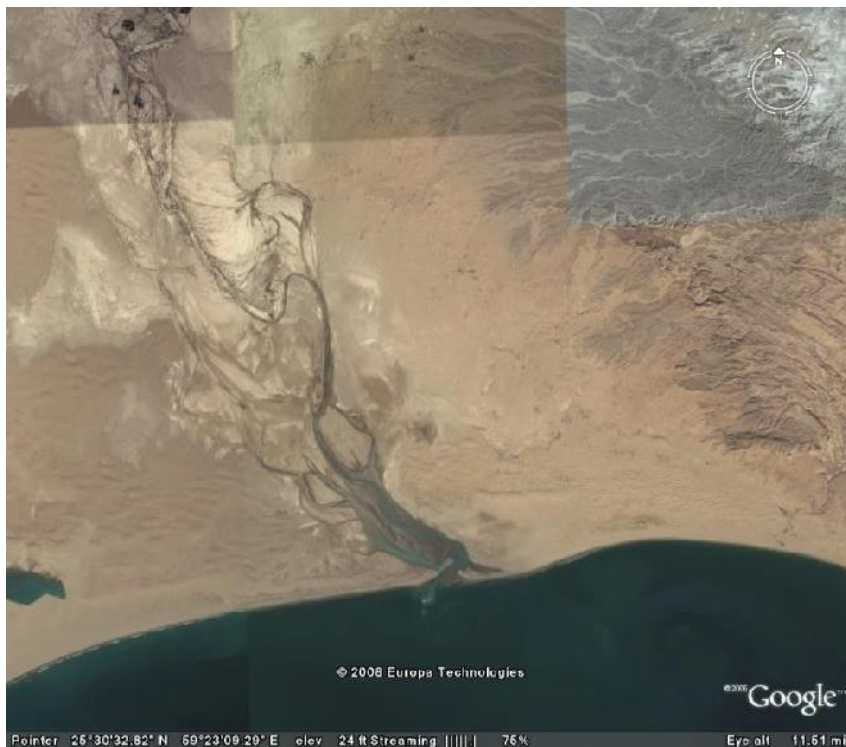
- ۱- ابن حوقل، ۱۳۴۵، صوره الارض (۳۶۹/۹۷۶)، ترجمه جعفر شعار، تهران
 - ۲- اقلیم و گردشگری در استان سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۰، سازمان هواشناسی کشور، چاپ نشده، محفوظ در آرشیو سازمان هواشناسی زاهدان
 - ۳- سید سید سجادی، سید منصور، ۱۳۷۴، هشت گفتار باستانشناسی و تاریخ بلوچستان، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور
 - ۴- شیرازی، روح الله، ۱۳۸۹، گزارش مقدماتی بررسی باستان شناسی شهرستان چابهار، چاپ نشده، سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری استان سیستان و بلوچستان
 - ۵- علی طالشی، بهزاد، ۱۳۸۸، گزارش مقدماتی بررسی باستان شناختی شهرستان کنارک؛ چاپ نشده محفوظ در آرشیو میراث فرهنگی و گردشگری استان سیستان و بلوچستان
 - ۶- گلدی ضمیر، امان، ۱۳۷۶، مردم نگاری شهرستان چابهار؛ چاپ نشده، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان سیستان و بلوچستان؛
 - ۷- مرادی، حسین، گزارش مقدماتی بررسی باستان شناسی بخش زرآباد شهرستان کنارک، چاپ نشده، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان سیستان و بلوچستان؛
 - ۶- یغمایی اقبال، ۱۳۵۵، بلوچستان و سیستان سرزمین نژاده مردمان و پهلوانان سختکوش، تهران
- 7- Alden.John,1982,"Trade and Politics in Proto-Elamite Iran" in: *Current Anthropology*, Vol.23 , NO.6 , Pp.613-640
- 8- Beale .Thomas W,1973," Early Trade in Highland Iran: A View from a Source Area" in: *World Archaeology*, Vol. 5, No. 2, Trade. pp. 133-148.
- 9- Brown, J. C. and Dey, A. K. 1955. *India's mineral wealth*. London: Oxford University Press.
- 10- Cleuziou S. and Tosi M. (eds), 1987, The Joint Hadd Project. Summary Report on the First Season (December 1985). Paris Rome
- 11- Cleuziou S, 2003," Early Bronze Age Trade in the Gulf and Arabian Sea: the Society behind the Boats." in D. Potts, H. Al Naboodah and P. Hellyer (eds), *Archaeology of the United Arab Emirates. Proceedings of the First International Conference of the Archaeology of the U.A.E*, Abu Dhabi, 15-18/04/2001. London: Trident Press, pp. 133-148
- 12- Cleuziou S. and Tosi M,2007, In the Shadow of the Ancestors: The Prehistoric Foundations of the Early Arabian Civilization in Oman, Ministry of Heritage and Culture , Sultanate of Oman
- 13- DeCardi.Beatrice,1970,Excavation at Bampur,a Third Millennium in Persian Baluchistan 1966,Anthropological Papers of the American Museum of Natural History, New York
- Urban Development of Fishing /Farming 14- Ferifelt, Karen,1979, "Oman During the third Millennium BC: Communities", in: *South Asian Archaeology*, Vol.1, Series.VI, pp.567-587
- 15- Lamberg Karlovsky.C.C and Tosi.M,1973," Shahr i Sokhta and Tepe Yahya: Tracks on the Earliest History Iranian Plateau,East and West 23,pp.21-53
- 16- Seyed Sajjadi.Seyed Mansur,1990,"Rise and Fall of Tis" , in: *Newsletter of Baluchistan studies*7,pp.53-57
- 17- Possehl.G,1979,"Pastoral Nomadism in the Indus Civilization: An Hypothesis " in: *South Asian Archaeology 1977*, Vol.1, series minor VI , Pp. 537-551



نقشه ۱: نقشه راه های تجاری جنوب شرق ایران با مناطق همجوار در اوایل هزاره سوم ق.م، (Lamberg-Karlovsky and Tosi, 1973:25)



تصویر ۱: منطقه مورد مطالعه بر روی نقشه با خط قرمز نشان داده شده است



تصویر ۲: عکس ماهواره‌ای از رودخانه رایچک واقع در بخش زرآباد



تصویر ۳: روستایی با معماری کپری و خانه‌های مدور گنبدی شکل



تصویر ۴: خانه کپری مستطیلی شکل با سقف شیروانی



تصویر ۵: روستای ماهیگیری متروک کلات در بخش زرآباد



تصویر ۶: محوطه ساحلی کلات در محاصره ماسه بادی



تصویر ۷: محوطه باستانی هومدان



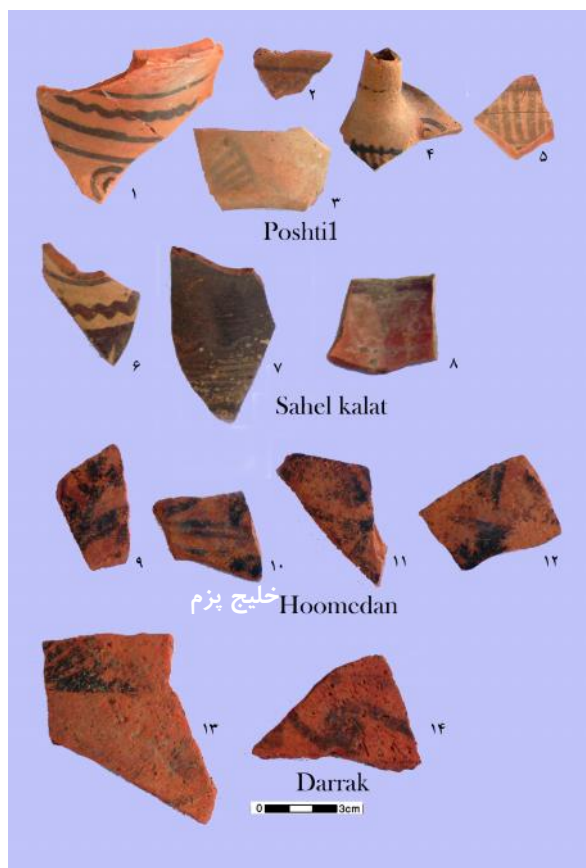
تصویر ۸: بخشی از محوطه باستانی درک که بخش زیادی از آن در زیر ماسه بادی مدفون شده است



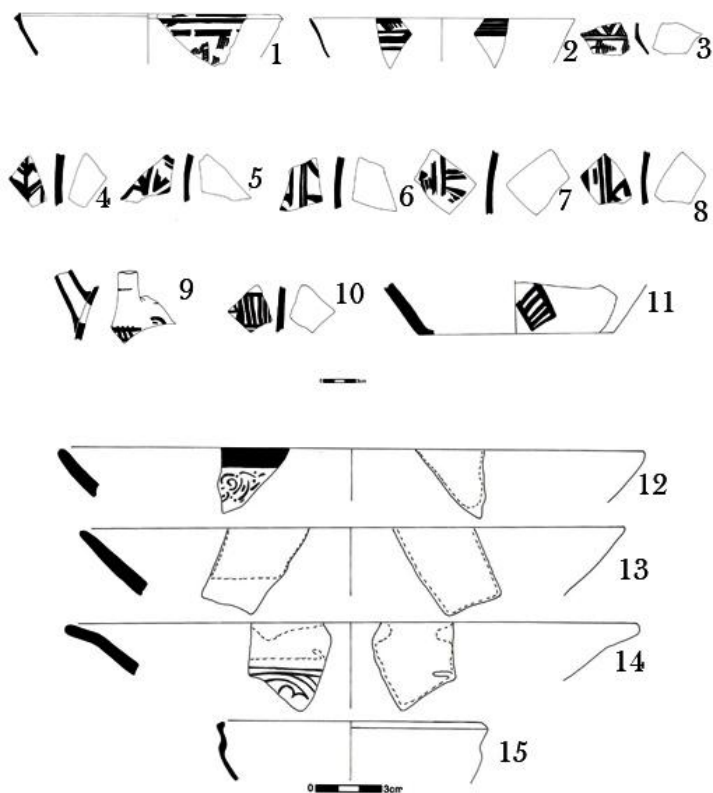
تصویر ۹: گورستان دمبی پشته



تصویر ۱۰: روستای ساحلی گوردیم در بخش کنارک، دید از سطح صخره ای که آثار هزاره سوم ق. م بر روی آن شناسایی شده است



تصویر ۱۳: عکس سفالهای به دست آمده از محوطه های ساحلی مکران (بخش زرآباد)



تصویر ۱۴: طرح سفالهای به دست آمده: ۳ تا ۱۱ محوطه رایچک در ۳۰ کیلومتری شمال دریا، ۸ تا ۴ هومدان، ۹ تا ۱۱ محوطه پشتی و بقیه محوطه های اسلامی می باشند. شماره های ۸ تا ۴ سفال های با نقش درخت با برگهای آویزان قابل مقایسه با نمونه های بمپور VI (DeCardi, 1970: 279, fig 17, no. 12; fig 22 no. 126)